

گامی در کارآمد سازی نظام مالیاتی

«بررسی مقایسه‌ای میان وجوهای شرعی و مالیات حکومتی»*

□ خالد الغفوری**

□ مصطفی غفوری***

چکیده

در ماهیت‌سنجی دوگونه مالیات شرعی و حکومتی، مالیات‌های شرعی به دوگونه ثابت و متغیر تقسیم می‌شود، البته ماهیت مالیات حکومتی در نظام جمهوری اسلامی متفاوت از این مالیات‌های شرعی نبوده، بلکه همان مالیات متغیر شرعی است و از باب ضرورت و صلاح‌دید حاکم مشروعیت یافته است، بر این اساس اخذ مالیات وجهه شرعی می‌یابد، لکن از آنجا که مالیات اولیه در ترسیم نظام مالیات اسلامی، مالیات‌های ثابت می‌باشد و وجه شرعی ضرورت و مصلحت پس از عدم کفاف، این‌گونه مالیات متصور است، باید این چشم‌پوشی از مالیات اولیه اصلاح شود و روندی را که اسلام ترسیم کرده به صورت کامل اجرا نماییم. با بررسی و تفاوت و تشابه‌سنجی به این نتیجه رسیدیم که مالیات‌های اولیه تمام آثار مالیات‌های حکومتی را در بر دارند، علاوه بر ویژگی‌های مثبتی که برخی پیامدهای منفی مالیات‌های حکومتی را نیز در خود ندارند. پس جایگزینی میزان معینی با میزان دیگر، کار مشکلی به نظر نمی‌آید، مضافاً اینکه مالیات‌های اولیه اسلامی دارای محاسن زیادی نیز هستند.

کلید واژه‌ها: وجوهای شرعی، مالیات حکومتی، مالیات ثابت، مالیات متغیر.

*. تاریخ وصول: ۱۳۹۵/۱۱/۲۰؛ تاریخ تصویب: ۱۳۹۶/۳/۲۰.

** عضو هیات علمی جامعه المصطفی العالمیه (m_qafory@yahoo.com).

*** کارشناس ارشد فقه و حقوق از دانشکده اصول الدین قم.

مقدمه

در ماهیت سنجی وجوهات شرعی در پرتو مالیات اسلامی، وجوهات شرعی را به وجوهات شرعی به معنای اعم نامید و پنج مورد از وجوهات در معنای اخص و با ماهیت مالیات گونه مشخص گردید که عبارت‌اند از: خمس، زکات اموال و ابدان، جزیه و عشر. سایر موارد از این معنا خارج‌اند. بر این اساس، با بررسی نقاط تشابه و تفاوت دو گونه مالیات پس از احصای وجوهات شرعی در معنای اخص درصددیم تا به امکان سنجی نزدیک کردن دوگانگی میان مالیات‌های حکومتی و وجوهات شرعی برسیم.

تعریف مفاهیم

وجوهات شرعی

وجوهات در لغت جمع وجوه (جوهری، ۱۴۱۰: ۶/ ۲۲۵۴ - ۲۲۵۶) به معنای پول است. شرعی نیز به معنای مشروع و آنچه خداوند برای عباد در دین تشریح نموده (همان: ۱۲۳۶ - ۱۲۳۷؛ زبیدی، ۱۴۱۴: ۱۱/ ۲۳۷ - ۲۴۲) به شرع نسبت داده و موافق شرع است (دهخدا، ۱۳۷۷: ۳۹: ۱۲۹).

این واژه معنای اصطلاحی ندارد، ولی تعبیری رایج بین مردم و عرفی است که از مجموعه وظایف مالی تعیین شده از طرف شارع انتزاع شده است. این وظایف موارد متعددی دارد، لکن مورد بحث ما خصوص وظایفی است که متعلق آن درآمد و سرمایه افراد است. دهخدا نیز به این امر اشاره دارد^(۱) (همان). برخی معاصران از آن به عنوان مالیات اسلامی تعبیر کرده‌اند.

مالیات اسلامی حقی است معلوم که قانون‌گذار اسلامی بر دارایی افراد واجب گردانیده است. این حق به هر دو صورت نقدی و غیر نقدی، بنا به شروط معین و با تکیه بر دستورالعمل‌های مالی، دریافت می‌گردد. فرد مکلف چه در حمایت دولت اسلامی و چه از این محدوده بیرون باشد، به پرداخت حق ملزم است» (زائری، ۱۳۸۹: ۱۳۸۹/۲).

بنابر بررسی صورت گرفته، با جمع‌بندی گفتار فقها و احصای گستره متعلقات و موارد مصرف انواع وجوهات شرعی به تعاریف زیر رسیدیم (غفوری، ۱۴۳۷: ۸۱: ۳۷-۸۸).

۱. خمس: خمس عمدتاً متعلق به درآمد است. اگر مبنای تشریح خمس آیه شریفه «أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ» (انفال: ۴۱) باشد، می‌توان آن را دلیلی بر مدعا دانست که مراد از غنیمت درآمد بوده و مؤید این تعریف است: «حق شرعی مالی واجب در درآمدها اعم از مجانی یا غیر مجانی، به میزان مشخص، که در مواردی دارای نصاب‌اند» (غفوری، ۱۴۳۷: ۶۰).

۲. زکات (اموال): زکات بر خلاف خمس غالباً به سرمایه تعلق می‌گیرد و شرایط و نصاب مشخصی دارد و عبارت است از: «حق شرعی مالی متعلق به برخی سرمایه‌ها با نصاب خاص به میزان معین» (همان: ۶۴).

۳. زکات (ابدان): زکاتی که بر هر مسلمان بالغ کامل به شرط گشایش در معاش نسبت به خود و افراد تحت تکفلش سالی یک مرتبه در روز عید فطر واجب می‌گردد (همان: ۶۹).

۴. جزیه: از اهل ذمه به منظور حفظ ذمه و حسن اداره آنان و حمایت از حقوق ایشان دریافت می‌شود و نیز این مالیات در عوض شرکت نکردن در امور نظامی و واردنشدن در ارتش اسلامی است. به عبارت دیگر، جزای دادن حقوق شهروند مسلمان به ذمی با مساوات و آزادی در مال و عرض ایشان است (طباطبائی، ۱۴۱۷: المیزان، ۹: ۲۴۰. غفوری، همان: ۷۴).

۵. عشر: به مالی گفته می‌شود که از تجار غیر مسلمان گرفته می‌شود و به گمرک شباهت دارد. در احتمالی که عشر را مختص

به کفار حربی دانسته‌اند، پررنگ بودن بعد سیاسی و کنترل رفت و آمد ایشان بیشتر به نظر می‌آید (غفوری، همان: ۷۵). بنابراین می‌توان گفت که جهت بررسی مالیات‌های اسلامی و همگون‌سازی آن‌ها صرفاً می‌توان از این موارد پنج‌گانه بهره جست، چرا که با ماهیت‌سنجی صرفاً این موارد ماهیت مالیات‌گونه داشته‌اند.

مالیات

جمع مالیه و واژه‌ای عربی است (دهخدا، ۱۳۷۷: ۳۳/۱۰۰). در لغت به معنای باج است (پولی که به اجبار از کسی گرفته شود (عمید، ۱۳۴۲: ۴۷۸)؛ هر چند کتب لغت دریافت به اجبار را از معانی باج ذکر کرده‌اند، در عرف به معنای شبیه به رشوه و پول زیاده‌دادن جهت راه انداختن کار اطلاق می‌شود) و خراج (آنچه حاکم از رعایا گیرد (دهخدا، ۱۳۷۷: ۱۵/۳۷۴)؛ احتمالاً این واژه از مخارج و مصارف گرفته شده که بر اثر کثرت استعمال به مخارج حکومت که عمدتاً از مبالغ پرداختی مردم تأمین می‌شود اختصاص یافته است)، پولی که دولت برای امور عمومی و اداره کشور از مردم می‌گیرد (معین، ۱۳۸۷: ۳/۳۷۱۴).

به نظر می‌رسد مالیات به معنای امور مالی حکومت است که بر اثر کثرت استعمال به واژه مالیات منحصر شده است، از آنجا که عمدتاً امور مالی حکومت توسط مقداری که از اموال مردم گرفته می‌شد، اداره می‌گشت، این رویه را مالیات گفتند. تعاریف کتاب‌های لغت عمدتاً متأثر از معنای اصطلاحی آن را تعریف کرده‌اند.

در اصطلاح نیز «سهمی است که به موجب اصل تعاون ملی و بر وفق مقررات هر یک از سکنه کشور موظف است که از ثروت و درآمد خود به منظور تأمین هزینه‌های عمومی و حفظ منافع اقتصادی یا سیاسی یا اجتماعی کشور به قدر قدرت و توانایی خود به دولت بدهد» (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۸: ۶۰۱). یا «بخشی از درآمد، ثروت، فروش و یا بخشی از هر نوع پایه حقوقی دیگر که توسط دولت از اشخاص حقیقی و حقوقی اخذ می‌شود» (منوچهر، ۱۳۷۱: ۱/۳۷۱). برخی نظریه‌پردازان اسلامی، مالیات اسلامی را این‌گونه تعریف کرده‌اند: «مالیات اسلامی حقی معلوم است که قانون‌گذار اسلامی، بر دارایی افراد واجب کرده است». این حق به صورت نقدی و غیر نقدی بنا به شروط معین و با تکیه بر دستورالعمل‌های مالی دریافت می‌شود و هر فرد چه در حمایت دولت اسلامی و چه خارج از این محدوده باشد، مکلف به پرداخت حقی است که بر ذمه دارد (عزیزی، ۱۳۹۰: ۳۱۷).

با توجه به ایدئولوژی‌ها و اهداف مختلف متفکران، تعاریف متفاوتی از مالیات داشته‌اند. از نظر پروفیسور آلیکس، اقتصاددان کلاسیک متأثر از نظریه تعاون ملی: «مالیات سهمی است که حکومت بر مبنای اصل همکاری ملی از مایملک افراد برداشته تا قرض دولت یا مخارجی را که نفع عمومی در آن است پردازد» (پیرنیا، ۱۳۵۵: ۴۲؛ زائری، ۱۳۸۹: ۱۹۶/۲). گاستون ژز، متفکر کلاسیک، مالیات را حق الزامی می‌داند: «مالیات عبارت از نوعی تأدیبه مالی است که در نتیجه الزام قانون از نظر تأمین مالی مخارج دولت، بلاعوض به وسیله افراد انجام می‌شود» (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۳: ۳۴۹). همچنین ریکاردو می‌گوید: «مالیات بخشی از محصولات زمین و کار کشور است که در اختیار حکومت قرار داده می‌شود» (همان: ۳۴۹). صندوق بین‌المللی پول آورده: «مالیات عبارت است از وجوه اجباری، غیرجبرانی (در قبال آن خدمتی ارائه نمی‌شود) و غیرقابل برگشتی است که دولت برای مقاصد عمومی مطالبه می‌کند» (مرکز تحقیقات مجلس، ۱۳۹۴: ۸۳؛ زائری، ۱۳۸۹: ۱۹۶/۲). همچنین ماسگریو می‌نویسد: «مالیات در واقع برداشت دولت از منابع بخش خصوصی است، بدون اینکه تعهدی از ناحیه دولت نسبت به پرداخت‌کننده ایجاد شود. به عبارت دیگر، مالیات نوعی تحمیل اجباری است» (ماسگریو، ۱۳۸۴: ۲۹۸).

در نهایت می‌توان این‌گونه گفت: «مالیات‌ها دریافت‌هایی است که دولت به دلایل و روش‌های گوناگون از مردم جمع‌آوری می‌کنند؛ به سخن دیگر، برداشت دولت از منابع بخش خصوصی بدون اینکه تعهدی از ناحیه دولت نسبت به پرداخت‌کننده ایجاد کند، مالیات نامیده می‌شود» (یوسفی، ۱۳۷۹: ۱۵).

بررسی ماهیت انواع مالیات

مبنای مالیات مسئله‌ای با منشأ عرفی است. از دیربهاگام اخذ مالیات طبیعی بوده و رعیت پرداخت مالیات را به اربابان و حاکمان خود حق آنان می‌دانسته است. به همین ترتیب، مالیات در همه حکومت‌ها به صورت یک مسئله مسلم وجود داشته، لکن کم و کیف آن در هر زمان و مکان متغیر بوده است. در اسلام نیز همچون سایر حکومت‌ها این مسئله به گونه و جوهات شرعی جلوه کرده است. اصولاً مالیات در نظام‌های دینی یا غیردینی برای هزینه‌های جاری دولت‌ها اخذ می‌شود که در هر کشور تابع مقررات خاص خود است. از آن جمله قوانین مالیاتی جمهوری اسلامی ایران است که بدون در نظر گرفتن جدی نظام مالیاتی اسلام، از قوانین مالیاتی دیگر کشورها اقتباس شده است. با این مقدمه پس از بررسی انواع مالیات‌های شرعی و قانونی به ماهیت هر یک اشاره خواهیم کرد.

۱. انواع مالیات شرعی

مالیات‌های شرعی در نظام مالی اسلامی از نظر نحوه تشریح به دو گروه ثابت و متغیر تقسیم می‌شوند.

الف. مالیات‌های ثابت

مالیات‌هایی را که در حکم اولیه تشریح شده‌اند مالیات‌های ثابت گویند که در وجوهات شرعی به معنای اخص احصا نمودیم و این نوع مالیات دارای مقادیر ثابت و مشخصی در شرعی هستند.

ب. مالیات‌های متغیر

مالیات‌هایی را که در حکم ثانویه تشریح می‌شوند مالیات‌های متغیر گویند. این نوع مالیات توسط حاکم اسلامی در شرایط خاص وضع می‌شود، شارع مقدار خاصی برای آن در نظر نگرفته و تابع هزینه‌های ضروری یا مطابق مصلحت حاکم اسلامی است و به عبارت دیگر مالیات حکومتی نامیده می‌شود.

در روایتی از امام صادق ع درباره آیه شریفه: «الذین یصلون ما أمر الله به أن یوصل» (رعد: ۲۱) سؤال شد، حضرت فرمودند: «منظور آیه برقراری ارتباط مالی با رهبر جامعه است هر ساله؛ چه اندک و چه بسیار»^(۲) (مجلسی، ۱۴۱۰: ۲۱۶/۹۳).

بی‌گمان هدف از برقراری ارتباط مالی با امام برآوردن هزینه زندگی شخصی او نیست، بلکه مراد فراهم آوردن هزینه‌هایی است که برای انجام مسئولیت‌های اجتماعی و اداره جامعه به آن‌ها نیاز دارد (منتظری، ۱۴۱۱: ۲۹۱/۴).

مالیات حکومتی ابزاری است که در شرایط متحول، به حاکم اجازه رفع مشکلات را می‌دهد. اخذ مالیات تحت عنوان زکات مال التجاره^(۳) (نجفی، ۱۳۶۷: ۷۲/۱۵ - ۷۳). در زمان پیامبرص، وضع مالیات بر اسب (نجفی، همان: ۳۹۳/۸؛ ۷۴/۱۵؛ کلینی، ۱۳۶۵: ۵۳۰/۳). در زمان امیرالمؤمنین ع از جمله مالیات‌های حکومتی هستند. اداره کشور با تشریح نظام مالی که مترصد رفع

خلاًها بوده و در صورت عدم کفایت مالیات اولیه وضع می‌گردد، ممکن است (منتظری، ۱۴۱۱: ۴/۲۵۷).

تحلیل انواع مالیات شرعی (بر اساس نرخ و مبنای مالیاتی)

۱. از نظر میزان و نرخ مالیات

۱. مالیات مقطوع؛ هر شخص واجد شرایط باید بپردازد، مانند زکات فطره و مواردی از جزیه و خراج.
۲. مالیات تناسبی؛ مالیات‌هایی که براساس نسبت معینی باید پرداخت شوند و کم یا زیاد شدن متعلق مالیات، در کاهش یا افزایش نرخ اثری ندارد، همچون خمس.
۳. مالیات تصاعدی؛ هیچ‌یک از مالیات‌های ثابت اسلامی به شکل تصاعدی وضع نشده است.
۴. مالیات تنازلی؛ مالیات با درآمد رابطه عکس دارد، در برخی نصاب زکات حیوان متصور است.

۲. از جهت مبنای مالیاتی

۱. مالیات بر سرمایه؛ زکات انعام ثلاثه و نقدین.
۲. مالیات بر پس‌انداز؛ مانند خمس ارباح مکاسب.
۳. مالیات بر درآمد؛ مانند خمس غوص و معدن.
۴. مالیات سرانه؛ مانند زکات فطره (بر مسلمانان) و جزیه (بر اهل ذمه).
۵. مالیات بر تجویز تصرف و رفع منع: خمس مال حلال مختلط به حرام.
۶. مالیات بر انتقال مال خاص و فروش آن: خمس زمینی که ذمی از مسلمان می‌خرد.
۷. مالیات بر ثروت اتفاقی: خمس غنائم جنگی.
۸. مالیات بر مصرف؛ هیچ‌گونه مالیات بر مصرف در مالیات‌های اسلامی به چشم نمی‌خورد.

فلسفه تشریح مالیات‌های متغیر شرعی

به دلیل عدم جواز تعطیل حکومت اسلامی یا کسری در تأمین منابع مالی و یا صلاح‌دید حاکم اسلامی می‌توان مالیات‌های جدید وضع نمود که این مهم را صاحب نظران به دو طریق امکان‌پذیر دانسته‌اند (همان: ۲۸۶).

۱. زکات را عنوانی بر هر واجب مالی بدانیم که از جانب حاکمان وضع شود و از این طریق مالیات‌های جدید را به عنوان زکات وضع نماییم، که البته خلاف مشهور است.
۲. مالیات‌های شرعی جعل شده را جهت رفع نیازها و خلأها در شرایط عادی بدانیم و در مواقع خاص که نیاز به منابع بیشتر هست، از باب حفظ نظام اسلامی می‌توان مالیات‌های جدید را وضع نمود، که به دو صورت ممکن است:
اول: امام اجازه انتفاع از پروژه‌ها (پل، جاده، سد و...) و منابع عمومی (آب، برق، گاز و...) را معلق به مالیات دادن مردم نماید.

دوم: تعیین ولی فقیه اگر با انتخاب مردم بوده است، وی می‌تواند در بیعت و پذیرش حاکمیت شرایط خاص چون پرداخت

مالیات‌های ثانویه را شرط نماید.

بررسی

به نظر می‌رسد بتوان راه‌های دیگری نیز جهت افزایش مالیات‌های شرعی اضافه نمود، از جمله:

۱. تعمیم زکات به پول رایج و عدم انحصار زکات به دینار طلا و درهم نقره. از آنجا که پول‌های چاپی با پشتوانه ذخایر طلا در بانک مرکزی منتشر می‌شود و در اصل می‌تواند رسیدی از آن طلا باشد، آن‌ها را برخی عاملی جهت تعمیم زکات نقدین برشمرده‌اند (منتظری، ۱۴۱۱: ۱/ ۲۸۰).

۲. همچنین بنابر قول به وجوب زکات در مال التجاره نیز امکان‌پذیر است.

بنابر قول مشهور، زکات مال التجاره مستحب است. وجوب آن به برخی قدما نسبت داده شده است (نجفی، ۱۳۶۷: ۱۵/ ۷۲ - ۷۳). لیکن در مراد از مال التجاره اختلاف وجود دارد. برخی آن را مالی می‌دانند که به سبب عقد به قصد تجارت به دست آید (همان: ۱۵/ ۲۵۹ - ۲۶۰). برخی دیگر به مالی می‌گویند که سرمایه کسب و کار فرد قرار گیرد (یزدی، ۱۳۳۰: ۴/ ۹۰-۹۱؛ نجفی، ۱۳۶۷: ۱۵/ ۲۶۰ - ۲۶۱).

البته همه این بحث‌ها با قطع نظر از استفاده از اصل ولایت فقیه است که در موارد ضرورت یا بلکه موارد مصلحت راجح، ولی فقیه می‌تواند تأمین نیاز حکومت و جامعه را از طریق اخذ مالیات بر اساس ضوابط، نه به عنوان زکات یا عناوین دیگر واجب نماید. تفاوت این راه با راه‌های سابق عدم محدودیت آن است.

ضوابط وضع و اخذ مالیات شرعی

۱. اصل بر کافی بودن مالیات‌های اولیه است که شارع وضع نموده است^(۴) (مجلسی، ۱۴۱۴، لوامع صاحبقرانی، ۱۴۱۴: ۵/ ۴۴۶) و در صورت عدم کفایت در مقاطعی مالیات ثانویه وضع می‌گردد. بر این اساس، مالیات ثانویه موقت بوده و در مقاطعی که ضرورت یا مصلحت ایجاب کند مشروعیت دارند (ر.ک: غفوری، ۱۳۹۳: ۶۰).

۲. تعیین حداقل یا عدم وضع مالیات بر کالاهای ضروری که مورد استفاده عموم به خصوص قشرهای کم‌درآمد و ضعیف است، و وضع مالیات بر کالاهای لوکس و تزیینی که معمولاً مورد استفاده دهک‌های بالای درآمدی است (منتظری، ۱۴۱۰: ۴/ ۲۹۹).

۳. مالیات باید بر اموال راکد و بلااستفاده که مورد نهی اسلام است^(۵) (توبه: ۳۳۴-۳۳۵) وضع گردد (صدر، ۱۳۵۹: ۱۲۲ - ۱۲۴)، مانند پس‌اندازی که سرمایه‌گذاری نشده، طلا و اموالی که کنز شده و املاکی که بلا استفاده است.

۴. وضع مالیات نبایست موجب رکود و یا تورم شود (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۹/ ۳۵۰) و باید امنیت کاری را نیز حفظ نماید.

۵. عدالت اجتماعی و تأمین عدالت و توازن، عامل اساسی در وضع مالیات‌ها بوده است. یکی از دغدغه‌های نظام اسلامی رخت بر بستن عدالت از اجتماع و پیدایش اختلاف‌های طبقاتی است. مؤدی مالیات‌های اسلامی در هنگام پرداخت وظیفه‌اش را در مقابل پروردگارش انجام می‌دهد و از تصرف در مال غیر و ارتکاب حرام دور می‌شود، بنابراین منتی بر دیگران نخواهد داشت (لشگری، ۱۳۸۰: ۱۵۶ - ۱۵۷).

۶. با توجه به از بین رفتن تقریبی موارد تعلق زکات در کشورهایمانند ایران می‌توان موارد تعمیم زکات را بررسی نمود و یا

- چنان‌که گذشت اهل ذمه و یا اهل سنت را که خمس پرداخت نمی‌نمایند، می‌توان همچون مالیات الزام به پرداخت نمود.
۷. استفاده از منابع طبیعی و انفال در تعلق مالیات مؤثر است، مانند استخراج مواد معدنی، غوص و گنج. در صورتی که دولت منابع درآمدی خود را تقسیم و همه را متمرکز بر مالیات‌ها نکند، در مجموع مالیات مورد تعلق افراد متغیر می‌باشد.
۸. واگذاری صنایع، کشاورزی، تجارت و کارگاه‌ها به افراد مجتمع از طریق خصوصی‌سازی و کاهش حجم بدنه دولت که به تبع کاهش هزینه‌ها و نیاز کمتر به منابع مالی را در بر دارد (همان: ۲۹۶).
۹. اجتناب از اسراف و تبذیر متصدیان مصرف.
۱۰. استفادهٔ بهینه از ظرفیت‌های آموزه‌های دینی همچون مفهوم انفاق یا جهاد با مال را ترویج کند. ایجاد توازن بین منابع مالی دولت اسلامی و عدم تمرکز درآمد از یک بخش همچون مالیات‌ها که می‌توان انفال و... را مثال زد.
۱۱. فراهم آوری زمینه امن فکری و مالی در عرصه‌های مختلف جهت رشد اقتصادی و اعتماد متقابل در دریافت و هزینه‌کرد مالیات.
۱۲. دقت در تشخیص نیازها در شناسایی، اخذ و نهایتاً مصرف منابع مالی.
۱۳. قابلیت رشد و نمو در تعلق مالیات: در روایت امام صادق \times علت وضع مالیات بر مادیان (اسب ماده) و عدم وضع آن بر استر بارور شدن آن‌ها ذکر شده است.

بررسی محل مصرف وجوهات شرعی

- بر اساس منابع وارده محل مصرف مالیات‌های ثابت و مالیات‌های متغیر تفاوت چندانی ندارد، (حکیمی، ۱۳۶۸: ۶/۲۹۹ - ۳۴۰؛ حسینی، ۱۳۸۰: ۴۲۲ - ۴۲۷). به عبارت دیگر، منبعی جهت تأمین مخارج حکومت و منصب امامت است و امام در هر جا که احساس نیاز به مصرف کند مبسوط الید است (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۶/۳۴۸؛ منتظری، ۱۴۱۰: ۳/۱۲۰). این موارد عبارت‌اند از:
۱. تأمین نیازهای اساسی قشرهای نیازمند (فقرا، مساکین، در راه‌ماندگان، زندانیان، از کار افتادگان، خانواده‌های بی‌سرپرست) (توبه: ۶۰).
 ۲. تأمین بدهی بدهکاران فقیر، دیه قتل و جنایت کسانی که جانی مشخصی ندارند، جبران خطای قضات (همان).
 ۴. رفع تمام خلأهای مورد نیاز جامعه و ایجاد وحدت و یکپارچگی در جامعه (مؤلفهٔ قلوبهم) (منتظری، ۱۴۱۰: ج ۳: ۳۲).
 ۵. تأمین هزینه‌های دفاعی، امنیتی، مثل خرید سلاح، حقوق نظامیان، هزینه تجهیزات و استحکامات.
 ۶. تأمین حقوق کارکنان دولت، قاضیان، مبلغان و معلمان امور دینی، ناظران بر بازار کار و کالا، مأموران جمع‌آوری زکات و اموال دولتی.
 ۷. تأمین هزینه‌های فرهنگی و آموزش‌های عمومی.
 ۸. عمران و آبادی بلاد و امور عام المنفعه که مشمول عنوان فی سبیل الله است (حکیمی، ۱۳۶۸: ۶/۳۰۰؛ حسینی، ۱۳۸۰: ۴۲۴).

۲. انواع مالیات قانونی

بر اساس قانون مالیاتی کشور، مالیات‌های قابل وصول توسط دولت به دو گروه اصلی تقسیم می‌شود:

الف. مالیات‌های مستقیم

مالیات‌هایی هستند که مشخصات پرداخت‌کنندگان برای سازمان مالیاتی کشور مشخص است. در واقع این نوع مالیات مستقیماً از دارایی و درآمد افراد کسر می‌شود. مالیات‌های مستقیم به دودسته تقسیم می‌شوند:

۱. مالیات بر دارایی

مالیاتی است که به اموال و دارایی شخص تعلق می‌گیرد. این نوع مالیات شامل موارد زیر است:

- الف. مالیات بر ارث.
- ب. مالیات بر حق تمبر.
- ج. مالیات بر درآمد اتفاقی.
- د. مالیات سالانه املاک و مستغلات مسکونی خالی.

۲. مالیات بر درآمد

مالیات بر درآمد مالیاتی است که بر اساس نرخ مالیاتی مقرر در همان سال از درآمدهای به دست آمده توسط اشخاص حقیقی و حقوقی دریافت می‌شود. این نوع مالیات شامل موارد زیر است:

- الف. مالیات بر درآمد املاک.
- ب. مالیات بر درآمد کشاورزی.
- ج. مالیات بر درآمد حقوق.
- د. مالیات بر درآمد مشاغل.
- هـ. مالیات بر درآمد اشخاص حقوقی.
- و. مالیات بر جمع درآمد ناشی از منابع مختلف.

ب. مالیات‌های غیرمستقیم

این گروه از مالیات‌ها، مالیات‌هایی هستند که مشخصات پرداخت‌کننده آن برای سازمان مالیاتی کشور نامشخص است. این مالیات‌ها به قیمت نهایی کالاها و خدمات اضافه می‌شود و به مصرف‌کننده تحمیل می‌شود. این مالیات به دسته‌های زیر تقسیم می‌شود:

۱. مالیات بر واردات

- الف. مالیات بر حقوق گمرکی.
- ب. مالیات بر سود بازرگانی.
- ج. مالیات بر حق ثبت سفارش کالا.

۲. مالیات بر مصرف و فروش

- الف. مالیات بر فرآورده‌های نفتی.
- ب. مالیات بر تولید الکل طبی و بهداشتی، نوشابه‌های غیر الکلی و سیگار.
- ج. مالیات بر اتومبیل و انتقال آن.
- د. مالیات بر حق اشتراک تلفن‌های خودکار و خدمات مخابراتی بین‌المللی.
- هـ. مالیات فروش خاویار.
- و. مالیات بر ارزش افزوده (از ابتدای مهرماه ۱۳۸۷ به اجرا گذاشته شده است).

بررسی مصارف مالیات‌های قانونی

از آنجا که مالیات حکومتی در اسلام همان مالیات متغیر شرعی بوده و جهت مشروعیت آن نیز مصلحت یا ضرورت سنجی حاکم اسلامی است، موارد مصرف آن نیز باید همان جهات مصرف وجوهات شرعی باشد که جهت ضرورت و مصلحتی که حاکم تشخیص داده است، نیازمند تأمین و یا دارای کسری است. ممکن است اشکالی در مورد مصارف این مالیات‌ها به نظر رسد:

اشکال

رویه موجود در عملکرد دولت‌ها در مصرف مالیات‌هاست که پس از تأدیه، مالیات‌ها به خزانه می‌رود و در قالب بودجه مصرف می‌رود.

تذکره: اشکال در اینجا نیست که مالیات مستقیماً در همان مورد ضرورت یا مصلحت، مصرف نمی‌گردد و یا اینکه مالیات و سایر منابع مالی در بودجه و خزانه مخلوط می‌شوند، چرا که بودجه یک صندوق نیست که تمام درآمدها در آن گردآوری و سپس هزینه شود، بلکه هر ردیف درآمدی، مصرف خاص خود را دارد.

اشکال در اینجا است که ضرورت، که گاهی همین کسری بودجه است، با وسیله تأمین منابع مالی اشتباه گرفته می‌شود و مصلحت و ضرورت جایگاه خود را از دست می‌دهد، و به همین دلیل دیگر ضوابط تشریح در نظر گرفته نمی‌شود و پیرو آن در محل مصرف هزینه نمی‌گردد.

پاسخ

اینکه ضرورت جای خود را با منبع تأمین درآمد برای دولت عوض کرده است، در رویه کنونی مسجل و غیرقابل انکار است. بنابراین باید ضرورتاً مطابق رویه نظام مالیاتی اسلامی عمل کرد و در مرحله نخست از وجوهات ثابت شرعی استفاده نمود و در صورت عدم کفاف و وجود ضرورت یا مصلحت مالیات متغیر تا زمان وجود ضرورت، وضع شود.

شاخص‌های ارزیابی انواع نظام مالیاتی

۱. محاسبه میزان فرار مالیاتی: برای اینکه تشخیص دهیم مؤدیان تا چه اندازه با طیب خاطر مالیات خود را می‌پردازند،

محاسبه فرار یا اجتناب مالیاتی مفید است؛ هرچند باید توجه داشت که فرهنگ مالیاتی به میزان بسیار زیاد به عملکرد دولت در هزینه کردن دارایی‌های عمومی ارتباط دارد. در دولتی که ریخت و پاش‌های آن چنانی دارد، در حالی که مردم به سختی درآمد به دست می‌آورند، مأموران دولتی، اموال بیت‌المال را حیف و میل می‌کنند، نباید انتظار داشت که فرار مالیاتی کاهش یابد.

۲. محاسبه بار مالیاتی: عادلانه بودن مالیات‌ها را می‌توان با محاسبه بار مالیاتی بررسی کرد و اگر این نسبت با توجه به توان پرداخت تنظیم شده باشد می‌توان گفت عادلانه است.

۳. تأثیر مالیات بر انگیزه‌های تولید: شاخصی که می‌تواند تأثیر مالیات را بر انگیزه‌های تولید (سرمایه‌گذاری، پس‌انداز و کار) بررسی کند، استفاده از مدل‌هایی مناسب است که در آن، نرخ‌های مالیاتی و کشش‌های مربوط را لحاظ می‌کند. در این روش، بیشتر از روش نرخ مالیاتی بهینه استفاده می‌شود، ولی با توجه به مسائل اجرایی، امروزه به جای ارزیابی هر مالیات، نظام مالیاتی را ارزیابی می‌کند که تجربه جهانی نشان داده است مالیات‌هایی با تعداد نرخ کم و نرخ نهایی به نسبت پایین و همچنین گسترده بودن پایه مالیاتی، مانعیت کمتری دارند.

۴. هزینه تحصیل درآمدهای مالیاتی: با محاسبه هزینه تحصیل یک واحد درآمد مالیاتی، تا حدودی می‌توان سیستم اجرایی را ارزیابی کرد. ارزیابی هر سیستم مالیاتی درباره وظایفی است که برای آن در نظر گرفته می‌شود. ممکن است نقش مالیات‌ها برای کسب درآمد مالیاتی یا توزیع مجدد درآمد یا تخصیص بهینه منابع و یا ترکیبی از آن‌ها در نظر گرفته شود که تا حدود فراوانی به تجربه ثابت شده است برخی از نقش‌ها، به ویژه دو نقش کسب درآمد و تخصیص بهینه (یا کارایی) با نقش توزیع مجدد و درآمد در تضادند. بنابراین، با توجه به اولویت‌های هر نظام سیاسی - اجتماعی، ممکن است به برخی از نقش‌ها اهمیت داده شود یا برخی از نقش‌ها مانند نقش توزیع مجدد، به عهده اهرم‌های دیگر اقتصادی مثل مخارج عمومی گذاشته شود. به نظر می‌رسد که نظام مالیاتی اسلام (مالیات بر درآمد) به واسطه دارا بودن نرخ نهایی یکنواخت و معافیت سطح زندگی، سیستم مالیات تصاعدی متمایل (با نرخ‌های نزدیک به هم) دارد. بنابراین، تأثیر چندانی بر توزیع مجدد نمی‌نهد، و بیشتر در جنبه هزینه کردن این درآمدهای عمومی (به ویژه زکات) در بالا بردن سطح زندگی فقیران می‌کوشد.

۱. مشکلات نظام مالیاتی

برخی از مشکلات موجود در نظام مالیاتی (یوسفی، ۱۳۷۹: ۲۴۳). به نظر می‌رسد در نظام مالیات اسلامی مرتفع گردد که در اینجا به بررسی مواردی از آن می‌پردازیم:

۱. مشکلات اطلاعاتی در خصوص کلیه منابع درآمد، اعم از اشخاص حقیقی و حقوقی.
- مشکل منابع اطلاعاتی در نظام مالیات اسلامی تا حدود زیادی با خوداظهاری قریب به واقعیت بر اساس ضمانت اجرای اعتقادی قابل حل است. ثانیاً اگر سیستم کاملاً مطابق با دیدگاه اسلامی باشد، مردم از ترس گرفتن مالیات ناعادلانه در امان بوده و با اعتماد اطلاعات خود را در اختیار قرار می‌دهند.
۲. عدم تمرکز سیاست‌گذاری و روش‌های وصول مالیاتی در یک مرجع و عدم تجمیع کلیه عوارض پراکنده با ماهیت مالیاتی در نظام اقتصاد کشور در ردیف‌های مالیاتی بودجه کشور.
- عدم تمرکز سیاست‌گذاری و تجمیع عوارض و مالیات نیز در نهاد بیت‌المال اسلامی تا حدود زیادی سامان می‌یابند.

۳. تداوم حاکمیت فرهنگ ضد مالیاتی در میان قشرهای جامعه و به ویژه صاحبان مشاغل که ریشه در سوابق تاریخی نظام‌های حکومتی در کشور داشته است، و عدم تحول اساسی در دیدگاه‌های افراد نسبت به موضوع مالیات.
- فرهنگ ضد مالیاتی نیز با توجه به فرهنگ بالای اسلامی که سالانه شاهد پرداخت مبالغ هنگفت در این زمینه توسط مسلمانان و وجود انگیزه‌های غیرمالی در این عرصه حل شده به نظر می‌آید.
۴. عدم شفافیت ارتباط بین مالیات‌های دولت و خمس و زکات از دیدگاه‌های نظری و عملی؛ شفافیت و معین بودن نرخ‌ها و محل‌های مصرف وجوهات شرعی و اعتماد متقابل در این سیستم بسیاری از نواقص نظام مالیاتی کنونی را مرتفع می‌نماید.
۵. عدم شفافیت ارتباط دقیق بین روش کار بودجه و مالیه دولت و منابع مالی حکومت اسلامی.
۶. مشکلات قانونی موجود در نظام مالیاتی کشور و ضرورت انجام بازنگری و اصلاحات لازم.
۷. عدم تمرکز درآمدهای مالیاتی مؤسسات عمومی و غیردولتی و شرکت‌های وابسته در مجموعه درآمدهای دولت.
۸. استمرار حجم وسیع معافیت‌های مالیاتی در قوانین مالیاتی کشور، بدون توجه به نحوه عملکرد این معافیت‌ها. معافیت‌های مشخص و وجود انگیزه‌های غیرمالی در نهاد مالیات‌ستانی، موفقیت نظام اسلامی را در این زمینه نیز نمایان می‌سازد.

۲. ارزیابی نظام مالیاتی

فرهنگ مالیاتی و محاسبه شاخص فرار و اجتناب مالیاتی، احساس سنگین بودن بار مالیاتی و وجود تبعیض بین درآمد حقوق‌بگیران و درآمد مشاغل دیگر نیز می‌تواند در عدم تمایل باطنی مؤدیان مؤثر باشد. البته اصلاحات جدید از جمله بالا رفتن سقف معافیت مالیاتی و کاهش نرخ‌ها، تا حدودی از سنگینی بار مالیاتی به ویژه در افراد کم‌درآمد کاسته است.

تحقیقی که میزان بدهی خمس را برای دهک‌های گوناگون در سال ۱۳۷۵ محاسبه کرده است، درباره عادلانه بودن نظام مالیاتی با توجه به نرخ تورم و بالا بودن هزینه‌های زندگی و پایین بودن درآمدهای طبقات پایین، نشان می‌دهد که شش طبقه اول از پرداخت خمس معاف بوده‌اند، در حالی که فقط طبقه اول درآمدی، از مالیات بر درآمد معاف بوده است. روشن است که افزایش معافیت مالیاتی و کاهش نرخ‌های نهایی، گامی به سمت عادلانه‌تر کردن نظام مالیاتی کشور خواهد بود.

وجود معافیت‌های فراوان برای مشاغل گوناگون به جهت ایجاد انگیزه، به یقین، عدالت افقی نظام مالیاتی را تضعیف می‌کند. همچنین این اصلاحات تا حدودی، موانع انگیزشی تولید را کاهش داده است؛ هرچند در نظام مالیاتی اسلام به جای استفاده از معافیت‌های بخشی و تبعیض‌آمیز از نظام مالیاتی با بار مالیاتی پایین که مانع تولید نیست، استفاده می‌شود و در عوض، دولت اسلامی موظف است برای ترغیب تولیدکنندگان بخش خصوصی، در امور زیربنایی و زمینه‌سازی برای سرمایه‌گذاری، پس‌انداز و تلاش کاری، سرمایه‌گذاری کند.

نکته شایان‌ذکر این است که مردم مسلمان، با دوگانگی در نظام پرداخت‌های خود روبه‌رو هستند که این خود موجب بالا رفتن بار مالیاتی یا دست‌کم افزایش فرار مالیاتی از یکی از دو سیستم یا هر دو می‌شود.

سرانجام در جهت حفظ احترام و جلب اعتماد مؤدیان، دولت باید بیش از پیش از اهرم‌های اجبار و تهدید در نظام اجرایی

بپرهیزد و با تشویق درستکاران و تنبیه مناسب فراریان مالیاتی و اصلاح بیشتر نظام مالیاتی، زمینه مشارکت مؤدیان را فراهم سازد و بدین وسیله، هزینه گردآوری مالیات را کاهش دهد.

مهم‌ترین مانع، نداشتن شناخت از نظام مالیات اسلامی و عدم احساس ضرورت جهت اجرای آن است، زیرا اخذ مالیات، به ظاهر حرمت شرعی ندارد، و در مقام یافتن الگویی از مالیات‌های اسلامی بر نیامده‌اند. داوری درباره مالیات‌های موجود در بهترین حالت، بر اساس تجربه گذشته و عملکرد مالیات‌های پیشین نبوده است. «دین اسلام مکتب اقتصادی دارد و بر این اساس و به کمک علم اقتصاد و ویژگی‌های بومی، تاریخی و جغرافیایی هر اقتصاد باید برای تحقق اهداف آن مکتب، نظامی اقتصادی بر پا ساخت» (صدر، ۱۳۷۵: ۴۶). یکی از اجزای این نظام، مخارج و درآمدهای عمومی است که بر اساس الگوی بیت‌المال اسلامی باید اخذ شود. نظام مالیات‌های اسلامی که شکل تأمین و صرف درآمدهای عمومی را تبیین می‌کند، هنوز در نظام قانون‌گذاری اجرا نشده است. بدان امید که با شناخته شدن ضرورت و ایجاد آن، به سمت محقق ساختن نظام اقتصاد اسلامی پیش‌رویم (صدر، ۱۳۸۱: ۱۸/۷). همچنین عدم شناخت کافی از نظام مالیاتی اسلامی مناسب با موقعیت زمانی و مکانی فعلی است، زیرا دست‌اندرکاران نظام مالیاتی کشور می‌کوشند نظام مالیاتی را کارا سازند. بنابراین اگر نظام مالیاتی اسلامی کارا معرفی شود استفاده می‌شود؛ گرچه کارایی نظام مالیاتی، در گرو نظام اقتصادی کشور است (همان).

جهات تفاوت و تشابه مالیات حکومتی با وجوهات شرعی

الف. جهات تشابه مالیات‌های اسلامی با مالیات متعارف

شباهت‌های این دوگونه مالیات را می‌توان از جهت محاسبه، مصرف، مشروعیت، فلسفه و... جست‌وجو کرد:

۱. وجه مشترک وجوهات شرعی با مالیات‌های متعارف در تأمین اجتماعی و امور عام‌المنفعه است، و ضرورتاً باید از نظر مبانی تئوریک و آثار کاربردی با یکدیگر هماهنگ باشند (درخشان، ۱۳۷۴: ۲۷).
۲. ادعای هر دو مالیات این است که جهت برقراری عدالت، توازن و رفع نیاز مالی فقرا و اداره جامعه هزینه می‌گردد.
۳. هر دو از احکام مالی می‌باشند، و وظیفه همه هم‌وطنان جهت تأمین منابع مالی جامعه خود است.
۴. هر دو را می‌توان هم به صورت خوداظهاری و هم به صورت اجباری دریافت کرد. در مالیات ضمانت اجرای قانونی و نوعی اجبار است، در صورتی که اصل در وجوهات شرعی انگیزه‌های معنوی است هرچند حاکم امکان الزام را دارد، لکن عمدتاً ضمانت اجرای معنوی در آن است (نجفی، ۱۳۶۸: ۱۰۹/۱۶).
۵. هر دو مورد انواع مختلفی دارند و در برخی انواع شباهت‌های بیشتری نسبت به هم دارند (فرهنگ، ۱۳۷۱: ۳۷۱/۱)، مانند مالیات بر درآمد که شباهت زیادی با خمس ارباب مکاسب دارد.
۶. در صورت کمبود و کاهش درآمد در هر مورد می‌توان راه‌حل جبران کسری آن را در نظر گرفت. در شرایط ضرورت و مصلحت در مالیات اسلامی ولی فقیه مالیات حکومتی را وضع می‌کند و یا میزان آن را افزایش می‌دهد، و در مالیات‌های کنونی در صورت کسری، دولت پایه و یا نرخ مالیاتی را افزایش می‌دهد.
۷. در هر دو مورد فی‌الجمله معافیت وجود دارد. البته تفاوت ماهوی در معافیت‌ها وجود دارد، مانند به حد نصاب رسیدن

در زکات یا زائد بر مئونه در خمس در وجوهات شرعی و میزان حداقل درآمدی که دولت از پرداخت مالیات معاف می‌دارد که تفاوت ماهوی آن‌ها توجه به بعد مشارکت مدنی و عدالت و دیگر اهداف در وجوهات شرعی است که در مالیات‌ها حداقل‌های معیشتی و اقتصادی ملاک است.

۸. در هر یک فرار مالیاتی ممکن است وجود داشته باشد هرچند در مالیات اسلامی بسیار محدودتر است، البته از بعد قانون نه در عمل به آن و در فضای جامعه اسلامی.

ب. جهات تفاوت مالیات‌های اسلامی با مالیات متعارف

۱. تفاوت اساسی سیستم مالیاتی اسلامی با سایر سیستم‌ها در این است که همه ابعاد آن اعم از اهداف سیاست‌های مالیاتی، الگو و ابزار جمع‌آوری، الگوی مصرف و حتی علت اخذ مالیات باید مجوز شرعی داشته باشد و مبتنی بر موازین اسلامی باشد، در حالی که در سیستم اقتصاد متعارف، اثبات ضرورت یک سیاست مالیاتی در مقطع خاصی از عملکرد اقتصاد ملی معمولاً شرط لازم و کافی برای اعمال آن است (درخشان، ۱۳۷۴: ۸). هرچند در مالیات‌های ثانویه شرعی نیز این‌گونه ممکن است به نظر رسد، لکن تفاوت در اینجاست که در مالیات‌های ثانویه شرعی موقت و قائم به ضرورت است، لکن در مالیات‌های فعلی معمولاً دائمی است.

۲. وجوهات شرعیه نه تنها هر یک تعاریف خاصی دارند، بلکه حدود کمی آن نیز معمولاً توسط شارع تعیین شده است. در حالی که مالیات در اقتصاد به هر نوع برداشتی از درآمد و یا ثروت اطلاق می‌شود که حوزه و درجه مشمولیت آن دقیقاً با توجه به شرایط اقتصادی در زمان و مکان خاص مشخص می‌گردد (همان: ۹).

۳. مالیات اسلامی تکلیفی عبادی است و باید براساس عقیده و با قصد قربت و رضای الهی پرداخت شود (نجفی، ۱۳۶۸: ۲/۱۶). تا آنجا که اگر مسائل عاطفی، اجتماعی، کسب شهرت و... در نظر باشد، گویا حق خداوند پرداخت نشده است؛ اما مالیات متعارف به موجب قانون بوده و همانند مالیات اسلامی وظیفه دینی تلقی نمی‌شود و برخلاف مالیات قصد قربت که نمی‌خواهد هیچ، بلکه نوعاً با اکراه پرداخت می‌گردد. انسان اقتصادی با کردار دینی فرار مالیات اسلامی را نوعی گناه می‌داند، اما فرار مالیاتی در مالیات متعارف، فقط نوعی تخلف قانونی محسوب می‌شود (خمینی، ۱۴۲۲: ۱/۱۹۹؛ مکارم، ۱۴۲۷: ۱/۳۳۳؛ تبریزی، ۱۴۲۷: ۸۵۳؛ صافی، ۱۴۱۷: ۲/۷۳۲؛ وحید، ۱۴۲۷: ۱۴۹؛ خامنه‌ای، ۱۴۲۴: ۴۸۷؛ بهجت، ۱۴۲۸: ۱۲۰).

۴. بر اساس فتوای مشهور، وجوهات دایر مدار شرایط تکلیف از جمله بلوغ و عقل می‌باشد (خمینی، ۱۳۷۹: ۱/۳۱۲) که فقط درآمد و سرمایه منظور نیست و مشارکت اجتماعی مد نظر است. در حالی که مالیات بر درآمد و سرمایه وضع می‌شود.

۵. در وجوهات شرعی در کنار مالیات واجب، مالیات مستحب نیز وجود دارد (شهید اول، ۱۴۱۴: ۱/۲۳۸) و مؤدی فراتر از تکلیف خود در جهت کسب فضائل معنوی و اخلاقی بر اساس اصل مواسات بیش از تکلیف به تأدیه مالیات خود با رغبت می‌پردازد، که نشانگر بلوغ اجتماعی و انفاق در راه خداست که این‌گونه پرداخت‌ها در مالیات متعارف بی‌سابقه بوده و سیاست‌های مالیاتی از این ظرفیت غافل‌اند.

۶. مهم‌ترین هدف مالیات اسلامی با توجه به مصارف، بیشتر به دنبال فقرزدایی، رفاه و... در جامعه است (حرعاملی، ۱۴۰۹: ۱۰/۹). و به هر نحو و شرایطی بار مالیاتی را بر مؤدیان تحمیل نمی‌دارد. این در صورتی است که در مالیات‌ها جنبه درآمدی و

تأمین اقتصادی بر سایر اهداف پیشی گرفته است.

۷. مالیات متعارف بیشتر در جهت سیاست‌های اقتصادی ثبات و تعادلی دولت به کار گرفته می‌شود، ولی مالیات اسلامی را نمی‌توان به عنوان ابزار سیاست تثبیتی استفاده نمود (پورفرج و انصاری، ۱۳۹۰: ۹۳ - ۹۶).

۸. درآمد مالیاتی خمس و زکات می‌تواند به صورت کالایی دریافت و توزیع شود (عزیزی، ۱۳۹۰: ۳۱۷). بر همین اساس، مالیات به گفته برخی صاحب‌نظران اثری بر تقاضای کل و آثار منفی مانند تورم کمتر دارد یا اصلاً ندارد. البته برخی آن را نادرست دانسته‌اند، لکن امری که مشخص است تأمین رفاه حال پرداخت‌کننده را در پی دارد. در صورتی که مالیات متعارف در اجزای مختلف مانند مالیات در مصرف کالا معمولاً بار مالیاتی و زیان اجتماعی ایجاد کرده، تورم و کاهش رفاه را به دنبال دارد (کمیته پژوهشی عدالت و رفاه اقتصادی، ۱۳۸۶).

۹. در اقتصاد سنتی برای تسریع بهبود توزیع درآمد، مالیات‌های تصاعدی، یعنی افزایش پلکانی نرخ مالیات که با افزایش میزان درآمد افزایش پیدا می‌کند، پیشنهاد می‌شود، در صورتی که در عمل مشاهده شده نظام مالیاتی تصاعدی قانونی به ندرت منتج به نظام‌های تصاعدی مؤثر یعنی ایجاد توازن اجتماعی از طریق مالیات‌ستانی بیشتر از درآمدهای بیشتر و بالعکس شده است و اغلب به سبب تفاوت در برخورداری از امکان فرار در بین مؤدیان منجر به نابرابری‌های افقی اساسی و فرار برخی که واقف به راهکارهای آن هستند شده است؛ لکن اثر توزیعی مالیات‌های اسلامی نسبت به مالیات‌های متعارف بیشتر است، علی‌رغم یکنواخت بودن نرخ مالیات‌های اسلامی با معافیت‌های در نظر گرفته شده مالیات‌های تصاعدی با نرخ تصاعد ملایم می‌باشند (حکیم آبادی، ۱۳۷۹: ش ۵۷/۲۲۵).

۱۰. در مالیات اسلامی در نظر مشهور فقها لازم نیست که مالیات به دولت پرداخت شود، بلکه شخص پرداخت‌کننده جایز است که (با اجازه حاکم شرع یا مرجع تقلید) در مصارف یادشده خرج کند؛ مگر در صورتی که حاکم اسلامی دستور دریافت زکات را صادر کند. شیعیان در طول تاریخ به جز برخی زمان‌ها حکومتی نداشته‌اند و جوهات خود را پرداخت می‌کردند. اما در مالیات‌های متعارف، جمع‌آوری مالیات و مصرف آن، جزء اختیارات دولت است.

۱۱. برآورد خمس و زکات و تخمین آن، بر اساس اعتمادی است که به پرداخت‌کننده می‌شود. درحالی‌که مالیات مبلغی است که دولت تعیین و محاسبه و دریافت می‌کند.

۱۲. خمس و زکات از افرادی گرفته می‌شود که توان مالی دارند، ولی در مالیات این‌گونه نیست و گاهی بر پارچه و کاغذ و ماشین و سیگار مالیات بسته می‌شود؛ خواه مصرف‌کنندگان فقیر باشند خواه غنی.

۱۳. اصولاً مالیات در جوامع دینی و غیردینی برای هزینه‌های جاری دولت اخذ می‌شود. رعایت حداقل‌های زندگی در پرداخت مالیات در اکثر کشورها رعایت نمی‌شود و شاید امکان رعایت نیز نباشد، لکن جوهات برای فقرزدایی وضع شده‌اند^(۶) (کلینی، ۱۴۱۰: ۴۹۸/۳).

۱۴. بخش قابل توجهی از خمس و زکات برای کمک به دیگران هزینه می‌شود و منفعت شخصی مد نظر نیست، اما مالیات نوعاً برای هزینه‌های زندگی است. مالیات هزینه‌ای است تا دولت رفاه را تأمین کند. مثلاً بوستان و بزرگراه و پل بسازد. بنابراین، انسان دو نوع هزینه دارد: هزینه‌هایی که مستقیماً برای داخل خانه تهیه می‌کند و هزینه‌هایی که از طریق دولت برای رفاه و خدمات بیرون منزل به واسطه مالیات دریافت می‌کند.

۱۵. زکات فقط به شرط به حد نصاب رسیدن، بر نُه چیز تعلق می‌گیرد و ممکن است بر بسیاری از افراد جامعه ادای زکات واجب نشود. خمس هم بر مازاد مخارج سالانه تعلق می‌گیرد، شخص بعد از اینکه نیازهای خود و خانواده را برطرف کرد، باید یک پنجم مازاد را پرداخت نماید. اما مالیات از اصل درآمد گرفته می‌شود.

۱۶. معافیت‌ها، مثنو و اموال مستثنای ارث، هدیه، مهریه و... در مالیات‌های اسلامی نشان‌دهنده این است که صرف جمع‌آوری اموال و مسائل اقتصادی مد نظر نبوده و اعتلای اجتماعی و فرهنگی حائز اهمیت بوده، و در فضای فرهنگی اسلامی که بعد معنوی و عبادی مد نظر است، امکان فرار مالیاتی بسیار اندک است.

۱۷. بخشی از جمع‌آوری کنندگان مالیات‌های اسلامی کارمند نبوده مانند علمای دین و...، بلکه این کار را به عنوان ادای تکلیف انجام می‌دهند که باعث کاهش هزینه‌های جمع‌آوری مالیات می‌شود، در صورتی که در مالیات‌های حکومتی، مالیات‌ستانی توسط کارمندان در روندی اداری اجرایی محقق می‌شود (نجفی، ۱۳۶۸: ۱۵/۳۳۵).

جمع‌بندی

با دقت در جهات تفاوت و تشابه می‌توان به این نتیجه رسید که جهات تشابه در اهداف، گستره شمول و در برخی عرصه‌ها همچون نحوه عملکرد است و این دو گونه مالیات به هم نزدیک به نظر می‌رسند و امکان نزدیک نمودن و استفاده از ظرفیت‌های هر دو ممکن است.

همچنین در جهات تفاوت نیز در نحوه مشروعیت، جهات تعلق، نحوه کارکرد و نتیجه از یکدیگر فاصله دارند. بر این اساس می‌توان گفت اولاً: مالیات‌های دوگانه در نظام اسلامی جهت مشروعیت واحدی داشته و وجوهات به حکم اولیه و مالیات‌ها به حکم ثانویه، ضرورت و مصلحت مشروعیت می‌یابند. ثانیاً: جهات تعلق و نحوه کارکرد و نتیجه، اموری پیوسته به هم بوده و هر نظام مالیاتی بر اساس عملکرد خاص خود ناتج به نتیجه‌ای مخصوص می‌گردد. در نتیجه به حکم احکام اسلامی این دو گونه که یکی مالیات اولیه است و در صورت عدم کفایت مالیات حکومتی و ثانویه وضع می‌گردد، قابلیت جمع و اجرا دارد و از نظر اینکه هر دو اجزایی از نظام اقتصادی اسلام در بخش عمومی‌اند، یگانگی این مالیات‌ها دیدگاه برتر به نظر می‌رسد.

- (۱). «وجوهات: متداول عامیانه به آنچه از مال زکات و خمس و رد مظالم به مجتهدین خاصه با علم آنان برند، و او آن را به مستحقین تقسیم نماید گویند».
- (۲). «هو صِلَةُ الإمامِ فی کُلِّ سَنَةٍ بِمَا قَلَّ أَوْ كَثُرَ».
- (۳). «رسول الله ﷺ يأمرنا أن نخرج الصدقة مما نعدّ للبيع».
- (۴). «امام صادق × فرمود: چرا خدا در ۱۰۰۰ درهم ۲۵ درهم واجب گردانیده است، زیرا خداوند خالق آفرینش است عالم بر غنی و فقیر و قوی و ضعیف بوده، پس در هر ۱۰۰۰ نفر ۲۵ فقیر مقرر ساخت، و زکات را نیز به نسبت فقرا مقرر ساخت و اگر بیشتر می بودند بیش از این مقرر می ساخت»، با آنکه نصاب اول ۲۰۰ درهم است ظاهراً به اعتبار کثرت عرفی است، اگرچه در واقع از جمله نصاب است، زیرا که بعد از ۲۰۰ چهل چهل بالا می رود و در اینجا بیست ۴۰ بالا رفته است که نصاب ۲۱ باشد.»
- (۵). «الَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يُنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ».
- (۶). «امام ×: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ وَصَّعَ الزَّكَاةَ قُوْتًا لِلْفُقَرَاءِ وَتَوْفِيرًا لَأَمْوَالِكُمْ».

قرآن کریم.

- بحرانی، یوسف، **الحدائق الناضرة**، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ اول، ۱۴۰۵ق.
- بهجت، محمدتقی، **رساله توضیح المسائل**، قم، انتشارات شفق، ۱۴۲۸ق.
- پورفرج و انصاری، **نقش مالیات اسلامی زکات در رشد و توسعه اقتصادی**، تهران، نشر حیب، ۱۳۹۰.
- پیرنیا، حسین، **مالیه عمومی**، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۵۵.
- تبریزی، جواد، **استفتاءات جدید**، چاپ اول، قم، ۱۴۲۷ق.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، **ترمینولوژی حقوق**، نشر گنج دانش، تهران، ۱۳۸۸.
- جوهری، **الصحاح**، دار العلم للملایین، چاپ اول، بیروت، ۱۴۱۰ق.
- حرّ عاملی، محمد بن حسن، **وسائل الشیعة**، مؤسسه آل البيت، قم، ۱۴۰۹ق.
- حسینی، سید رضا، **بيت المال، دانشنامه امام علی**، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران، ۱۳۸۰.
- حکیمی، محمدرضا، **الحیة**، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران، ۱۳۶۸.
- خامنه‌ای، سیدعلی، **أجوبة الاستفتاءات**، قم، دفتر مقام معظم رهبری، چاپ اول، ۱۴۲۴ق.
- خمنی، سید روح الله، **استفتاءات**، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ پنجم، ۱۴۲۲ق.
- _____، **تحریر الوسيلة**، کتاب الخمس، قم، دار العلم، ۱۳۷۹.
- درخشان، **ملاحظاتى در مفاهيم و نقش مالیات در اقتصاد اسلامی**، پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، ش ۴ و ۵، تهران، ۱۳۷۴.
- دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، **مبانی اقتصاد اسلامی**، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، ۱۳۹۳.
- دهخدا، **لغتنامه**، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۷.
- ریچارد، ماسگریو، **مالیه عمومی در تئوری عمل**، ترجمه مسعود محمدی و یداله ابراهیمی فر.
- زائری، اسدالله، **مالیات در فقه سیاسی**، پژوهش‌نامه فقهی، ش ۲، زمستان ۱۳۸۹.
- زبیدی، حنفی، **محب الدین، تاج العروس**، بیروت، دار الفکر، چاپ اول، ۱۴۱۴ق.
- صافی گلپایگانی، لطف الله، **جامع الاحکام**، قم، انتشارات حضرت معصومه، ۱۴۱۷ق.
- صدر، سید کاظم، **مصاحبه: آیا نظام مالیاتی ایران، اسلامی است؟ اقتصاد اسلامی**، ش ۷، پاییز ۱۳۸۱.
- صدر، محمداقبر، **اقتصادنا**، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۳۷۵.
- _____، **طرح گسترده اقتصاد اسلامی**، ترجمه فخرالدین شوشتری، تهران، نشر بدر، ۱۳۵۹.
- طباطبایی، سید محمدحسین، **المیزان فی تفسیر القرآن**، چاپ پنجم، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷ق.
- عاملی، محمد بن مکی (شهید اول)، **الدروس الشرعية فی فقه الامامية**، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۴ق.
- عزیزی، سعید، **بررسی ارتباط بین مالیات اسلامی و مالیات جدید**، مجموعه مقالات سومین همایش مالیات‌های اسلامی، قم، دانشگاه مفید، چاپ اول، ۱۳۹۰.
- عمید، حسن، **فرهنگ لغت**، تهران، کتابخانه ابن سینا، چاپ اول، ۱۳۴۲.
- غفوری، مصطفی، «التکالیف المالية الشرعية فی ضوء النظام الضريبي فی الإسلام»، **فصلنامه فقه أهل البيت**، العدد ۸۱، ۱۴۳۷ق.

- _____ پایان نامه «امکانسنجی محاسبه وجوهات شرعی به عنوان مالیات»، دانشکده اصول الدین، قم، ۱۳۹۳.
- فرهنگ، منوچهر، فرهنگ بزرگ علوم اقتصادی، البرز، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۱.
- کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵.
- کرمی، محمدمهدی، مبانی فقهی اقتصاد اسلامی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تهران، سمت، چاپ سوم، ۱۳۷۹.
- گیلک حکیم آبادی، محمدتقی، تحلیل مقایسه‌ای آثار توزیعی مالیات بر درآمد، مجله تحقیقات اقتصادی، ش ۵۷، ۱۳۷۹.
- لشگری، علیرضا، نظام مالیاتی اسلام، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه، چاپ اول، ۱۳۸۰.
- ماسگریو، ریچارد، مالیه عمومی در تئوری و عمل، ترجمه مسعود محمدی و یدالله ابراهیمی فر، تهران، نشر سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، مرکز مدارک علمی، ۱۳۸۴.
- مالیات تورمی، کمیته پژوهشی عدالت و رفاه اقتصادی، مرکز تحقیقات استراتژیک، مجمع تشخیص مصلحت نظام، ۱۳۸۶.
- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، بحار الأنوار، بیروت، مؤسسة الطبع والنشر، ۱۴۱۰ق.
- _____ لوامع صاحبقرانی (شرح فقیه)، قم، نشر اسماعیلیان، ۱۴۱۴ق.
- معین، محمد، فرهنگ فارسی، فرهنگ نما، تهران، کتاب آزاد، ۱۳۸۷.
- مقاله مالیات در فقه سیاسی، پژوهش‌نامه فقهی، ش ۲، ۱۳۸۹.
- مکارم شیرازی، ناصر، استفتاءات جدید، قم، انتشارات مدرسه امام علی X، چاپ دوم، ۱۴۲۷ق.
- منتظری، حسینعلی، دراسات فی ولایة الفقیه وفقه الدولة الإسلامية، قم، دارالفکر، ۱۴۱۱ق.
- _____ کتاب الزکاة، قم، دارالفکر، ۱۴۱۱ق.
- نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، تهران، دارالکتب اسلامیه، چاپ سوم، ۱۳۶۷.
- نظری، حسن آقا، گیلک حکیم آبادی، محمدتقی، نگرش علمی به هزینه و درآمد دولت اسلامی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و پژوهشگاه امور اقتصادی، تهران، بی تا.
- وحید خراسانی، حسین، توضیح المسائل، قم، مدرسه امام باقر X، چاپ نهم، ۱۴۲۸ق.
- یزدی، محمدکاظم، عروة الوثقی، بغداد، دارالسلام، ۱۳۳۰.
- یوسفی، احمدعلی، نظام مالی اسلام، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۷۹.